

## عنوان مقاله:

بررسی تاثیر انتقادات ارسطو از جهان شناسی هراکلیتوس بر انتقاد از مواضع افلاطون و سوفیست ها

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 10، شماره 37 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسندگان:

داریوش درویشی - کارشناس ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبائی

غلامرضا ذکیانی - دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

## خلاصه مقاله:

ارسطو یکی از مهمترین منابع برای مطالعه پیش از افلاطونیان است و هراکلیتوس در بین پیش از افلاطونیان، بیش از بقیه مورد توجه ارسطو است. این توجه بیشتر از آنجهت است که بهتصریح افلاطون، هراکلیتوس به لحاظ فکری پدرخوانده سوفیستها بود و بهتصریح ارسطو، وی پدرخوانده فکری خود افلاطون نیز بهشمار میرفت. از اینرو، ارسطو کوشید با انتقادات بنیادین نسبت به آموزه های هراکلیتوس، مبانی اندیشه های سوفیستی و افلاطونی را نیز هدف بگیرد. این مقاله خواهدکوشید، ابتدا نشاندهد که آموزه های هراکلیتوس در کدام حوزه ها و به چه ترتیب بر آموزه های سوفیستی و اندیشه های افلاطون موثر افتادهاست. بهنظرمی رسد تلاش هراکلیتوس برای نفی اصالت محسوسات و جزییات توانسته است، سوفیستها را به این ایده رهنمون سازد که حقیقتی در کار نیست و افلاطون را بر آن دارد که مدعی شود از آنجاکه حقیقتی در محسوسات و جزییات نیست؛ پس باید به دنبال وعاء دیگری بود که در آن طبق آموزه های پارمنیدس، ثباتی وجود داشته باشد تا بتوان به علم و اندیشه دست یافت، او این وعاء را به ایده ها اختصاص داد. پس از تعیین میزان تاثیر هراکلیتوس بر سوفیستها و افلاطون، مقاله حاضر خواهد کوشید انتقادات ارسطو درباره دو آموزه مشهور هراکلیتوس، یعنی آموزه سیلان و آموزه اینهمانی اضداد را صورتبندی نموده و نشان دهد که این انتقادات در کدام قسمتها میتوانند اندیشه های افلاطون یا پارادوکسهای سوفیستی را هدف بگیرند. این انتقادات می کوشند، نشان دهند که محسوسات بهنحوی دارای تقرر هستند؛ بهاینترتیب، آموزه های سوفیستی یکسره واژگون میگردد و به اندیشه افلاطون در مورد ایده ها و تولید وعاء مزبور نیز نیازی نخواهد بود.

## کلمات کلیدی:

هراکلیتوس، سیلان، اینهمانی اضداد، پاره رودخانه، سوفیست ها، پارادوکس کوریسکوس، پارادوکس دروغگو، افلاطون، آموزه مثل، ارسطو، اصل عدمتناقض

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/603024>

